

بیمه‌فرا

سال هشتم • شماره ۵۶

۸ صفحه • اردیبهشت ماه ۱۴۰۱

ماهنامه سیاسی

@anjomanalzahra

@anjoman_islami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)



قرص نانی بر سر این سفره بود و ناگهان ...

آقای رئیس جمهور موقع انتخابات با وعده ریشه کن کردن فقر، نور امید را در دل مردم ایجاد کرد. وعده‌ای که در انتخابات گذشته نیز به مردم داده شد و بر عکس آن وعده عمل کردند. در دولت مردمی نیز گرانی‌ها علیرغم تلاش دولت دوباره فریاد مردم را بلند کرد. نظام سرمایه داری در کشور جان گرفته است. مواد غذایی چون آرد، گندم و ماکارونی کمیاب شده و سفره مردم خالی تر از دیروز. هرچند تلاش‌های دولت مردمی و... در این مدت قابل تقدیر است ولی گویا در بهبود وضع اقتصادی ناتوان است. رفع نیازهای مردم و تلاش جهت رفاه آن‌ها از اهم وظایف دولت است. وضع اقتصاد ایران بسیار نابسامان است و یکی از راه‌های توجه به مردم بهبود این حوزه می‌باشد. ماهی که گذشت چه از نظر اتفاقات اقتصادی و چه از نظر تقویم مصوب، ماه پرتوافقی از نظر سیاسی بود. آزاد شدن برخی قیمت‌ها برای جلوگیری از قاچاق، روز ملی خلیج فارس، شهادت خبرنگار الجزیره و انتخاب دوباره مکرون همه از اتفاقات این ماه بود. آنچه در ادامه می‌آید، تلاشی است برای تاباندن نور بر نقاط تاریک و ارائه تحلیل‌هایی محکمه پسند و منصفانه. به امید آنکه مقبول افتد و بازخوردهای خوبی به دست ما برسد.

رقیه خادم‌نیا

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به

شهدای آزاد سازی خرمشهر که سوم خرداد همیشه برای ما یادآور خون‌هایی است که نگذاشتند خونین شهر از آغوش ایران جدا بماند. یادمان نمی‌رود اگر نقشه‌ی جهان، خلیج فارس دارد و ۱۰ اردیبهشت به این نام متبرک شده همه مدیون فرهادهایی هستیم که از جان شیرین خود گذشتند از رئیس علی دلواری تا نادر مهدوی. همچنین به سبب گرانی‌های اخیر و ۱۱ اردیبهشت روز کارگر تقدیم می‌شود به تمام پدران مخلصی که فشار زندگی سخت بر آن‌ها سخت می‌گیرد، اما همچنان جز حلال بر سر سفره نمی‌برند و قد خم می‌کنند تا قد خانواده خم نشود.

الغارات؛ روایت گمشدهی نیرنگ و تزویر

● هدیه گیاه تازه_ کارشناسی آمار و کاربردها

آخر مومن بودن است. مرحله پیچیده‌ای از آزمون غارت که مردود شدن در آن بسیار راحت تر از قبول شدن است!

عجیب تر آنکه غارات و کشتارها و نیرنگ‌های معاویه حتی وقتی برملا می‌شود هم باز موجبات نفرت عمومی را از او نه تنها کم نمی‌کند بلکه هرکس که می‌خواهد به سویی فرار کند و از زیر بار مسئولیت اجتماعی و اسلامی خود شانه خالی کند، به سمت معاویه می‌رود. گویی معاویه از عمق این بی‌مسئولیتی مردم آگاه است و از آن نهایت سوء استفاده را می‌کند.

روایت آن روزهای حکومت امیر شبیه همین روزهای ماست. زمان دوار است و تاریخ باز هم تکرار می‌شود. اما رفتارهای ماست که نباید تکرار شود. زبیر از همان سیف الاسلام‌های اول اسلام است که بعداً بر داماد و وصی رسول خدا شمشیر می‌کشد.

امروز هم مجاهد خلق و باقی هستند که بعد از آن که سهمی دریافت نکردند، بر خلق مجاهد ایران شمشیر کشیدند. اعتراض مردم به نان را آشوب جان می‌کنند. خوب بگردید.

دور نیستند آدم‌های رزمنده اول انقلاب که خیلی فرق کرده‌اند، سربازان پا به رکاب امام راحل آدم‌هایی که مخلص بودند و حالا که به جایی رسیده‌اند و صاحب مقام و منصبی شده‌اند، اهداف پاک انقلاب و محرومان یادشان رفته است. به قول حضرت امیر: «چه خیری است در آنکه به عاقبت خودش بی‌توجه باشد؟»

حکومت حضرت شدیداً حمله می‌کند و سعی دارد با غارت و ایجاد ترس و جنگ روانی حکومت حضرت را شدیداً تضعیف کند. به همین دلیل این دوران دوساله به الغارات معروف است. شهادت والی مصر و ایجاد دو دستگی از طرفی به شهادت رساندن مالک اشتر در حالیکه هنوز در راه مصر است و والی آن نشده، بی تفاوتی مردم نسبت به هشدارهای حضرت امیر همه و همه موجبات بدتر شدن وضعیت و در آخر شهادت مولا می‌شود. امتحان غارات در دو سال آخر حکومت حضرت نشان می‌دهد که مردم هنوز احساس مسئولیت کامل نکرده‌اند تا حرف امیر جامعه زمین نماند و همین موجبات خواری خود مردم را بعدها در حکومت یزید فراهم می‌کند. اساساً نوع جنگ در زمان حضرت امیر با زمان پیامبر کاملاً متفاوت است. دشمن پیامبر، اهل پرستیدن بت و ظلم و قبیله‌گرایی است اما دشمن حضرت امیر نماز می‌خواند، پیشانی‌اش از سجده پینه بسته و به تمام احکام اسلام معتقد است. در این شرایط، سخت می‌توان تشخیص داد نماز چه کسی پذیرفته است و چه کسی مسلمان واقعی است. همین است که امتحان الغارات را سخت تر می‌کند. جز این ابوتراب نه کسی را به کاری اجبار می‌کند نه به کسی وعده پول و قبیله‌گرایی می‌دهد و همین نشان می‌دهد که می‌توان روی حرف حضرت حرف زد. به همین دلیل کسانی که روزی در کنار امیر کلام به فرماندهی پیامبر با کفار جنگیده‌اند، حال یا حاضر به در رکاب علی بودن نمی‌شوند و یا از آن هم بدتر مقابل خود حضرت قرار می‌گیرند. مسئولیت‌پذیری نقطه

به بهانه‌ی اینکه شب‌های شهادت امیرالمومنین را پشت سر گذاشتیم بنا داریم ۲ سال گمشده‌ی حکومت سیاسی حضرت امیر را هرچند بسیار خلاصه بازخوانی کنیم. باید بدانیم که حکومت پر از اتفاق حضرت با وجود افراد مزوری چون معاویه در یک یادداشت کوتاه خلاصه و روشن نمی‌شود، اما مشخصاً امی که تاریخ خود را نداند محکوم به تکرار آن است و تکرار تاریخ پر فراز و نشیبی چون صدر اسلام که همراه با تنش‌های حکومت حضرت امیر است، واقعه عاشورا و در آخر غیبت حضرت صاحب، چیزی جز عقب افتادن برپایی حکومت عدل جهانی نخواهد داشت و این یعنی بشر تا گام نهایی برای تکامل فاصله درازی خواهد داشت. بازخوانی این دو سال حکومت برگرفته از کتاب الغارات است. قاسم سلیمانی فرمانده فاتح سپاه قدس توصیه جالبی مبنی بر مطالعه این کتاب دارد: «این کتاب الغارات را که قدیمی‌ترین کتاب شیعه هست را بخوانید، حتماً بخوانید، مقتل کامل است. اگر آن را بخوانید، امروز برای این حکومتی که در استمرار حکومت علی بن ابی‌طالب هست، آگاهانه‌تر و بدون تعصبات فردی و حزبی نگاه می‌کنیم، نظر می‌دهیم و دفاع می‌کنیم.»

قابل توجه است که این کتاب روضه مکشوف نیست، اما خواننده در جای جای کتاب آنچه‌ای غرتی از حضرت میان امت خودش حس می‌کند که قلب خواننده از این همه غرت به درد می‌آید و سینه‌اش تنگ می‌شود از این همه راحت طلبی و ساده دلی مردمان. تاریخ نیمه دوم حکومت حضرت مصادف با زمانی است که معاویه به قلمرو تحت

انهدام یک محبوبیت

● رقیه خادم‌نیا_ کارشناسی علوم تربیتی

آنها را سرنوشت‌ساز دانسته‌اند. سرانجام، انتخابات ریاست جمهوری فرانسه با پیروزی امانوئل مکرون به پایان رسید و او توانست برای ۵ سال دیگر کرسی ریاست جمهوری را از آن خود کند.

حضور مردم فرانسه در انتخابات به معنای علاقه به مکرون و پذیرش دیدگاه‌های او نیست بلکه آنها بر اثر تبلیغات گسترده‌ای که صورت گرفته بود، مجبور به انتخاب بین بد و بدتر بودند.

مکرون در اولین سخنرانی خود پس از اعلام نتایج انتخابات نیز اذعان کرد که بسیاری از افرادی که به او رأی داده‌اند، نه به خاطر موافقت با عقاید او بلکه برای اینکه بتوانند مانع پیروزی حزب راست‌گرای افراطی اجتماع ملی شوند، او را انتخاب کرده‌اند.

علاوه بر این، مکرون با اهانتی که چندی پیش به پیامبر(ص) و مقدسات اسلام داشته است، نزد مسلمانان محبوبیتی ندارد و خود را حقیر کرده است.

برنامه‌هایی چون دفاع از بازنشستگی در ۶۰ سالگی، دفاع از جایگاه و موقعیت کارکنان بخش دولتی، معافیت مالیاتی برای جوانان زیر ۶۰ سال، حفظ یورو واحد پول مشترک اروپایی، عدم خروج فرانسه از اتحادیه اروپا. همچنین مواضع تندتر یک نامزد راست‌گرای افراطی دیگر نسبت به مهاجران و مسلمانان سبب شد تا لوپن نزد مردم قابل قبول تر شود. لوپن با ارائه برنامه‌های خویش توانست آرای بیشتری کسب کند و در دور اول پیروز انتخابات شود.

در دور دوم علیرغم کاهش محبوبیت مکرون، او توانست با وعده‌هایی چون افزایش حقوق و بهبود وضعیت اقتصادی نظر مردم را به خود جلب کند.

رهبران اروپا نیز طی نامه‌ای مشترک و همچنین صدر اعظم آلمان از مکرون حمایت کردند. رسانه‌های مطرحی چون روزنامه فیگارو، مردم را به حضور گسترده در انتخابات دعوت کردند و حضور

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۲ فرانسه، یکی از جنجالی‌ترین انتخابات در تاریخ فرانسه شمرده می‌شود. رقابت بین امانوئل مکرون و مارین لوپن، نامزد حزب راست‌گرای اجتماع ملی یک رقابت چالش برانگیزی بود. مکرون در این ۵ سال با اصلاحاتی در زمینه قانون کار، بیمه بیکاری، مالیات بر ثروت و کمک مسکن که در راستای منافع کارفرماها و ثروتمندان بود و برای اقتدار آسیب پذیر جامعه جز ضرر چیز دیگری نداشت، عنوان رئیس جمهوری ثروتمندان را از جانب مردم دریافت کرد. همچنین سخنرانی‌های تحقیرآمیز و متکبرانه او جوانان، بازنشستگان و افراد کم درآمد جامعه را نسبت به خود سرد کرد.

نتایج انتخابات در دور اول نشان دهنده کاهش محبوبیت مکرون در بین مردم بود. در مقابل، لوپن توانست در دل مردم نفوذ کند. برنامه‌های او متناسب با مشکلات و ضعف‌های موجود در فرانسه بود.



خلیج الفارسی الی الابد

● آتنا هوشمند - کارشناسی زبان انگلیسی

خلیج فارس یکی از آبراهه‌های مهم جهان است که در جنوب غربی آسیا و در جنوب کشور عزیزمان ایران، واقع شده است. این خلیج از شمال با ایران، از غرب با کویت و عراق و از جنوب با عربستان و بحرین و امارات متحده عربی همسایه است.

این خلیج منبع عظیمی از ذخایر نفت و گاز است و مسیر انتقال نفت کشورهای نظیر کویت و عربستان می‌باشد؛ از این رو جایگاهی مهم و حساس داشته و از مناطق استراتژیک محسوب می‌شود.

پس از آنکه صد و هفده سال حکمرانی و تسلط اشغالگران پرتغالی بر سواحل جنوبی ایران، در تاریخ ۲۱ آوریل ۱۶۲۲ میلادی با دلاوری‌های سپاه ایران که آن زمان تحت فرمان امیرالامرای فارس، امام قلی خان (سرداران گرجی سپاه صفویه و فرزند الله وردیخان) پایان یافت و ایران جزو قدرت‌های قرن شانزدهم قرار گرفت. آلبوکرک پرتغالی اظهار داشت که هرکس سه نقطه مالاگا، عدن و هرمز را در اختیار داشته باشد، تجارت دنیا را تحت تسلط خود در خواهد آورد. این رویداد مهم تاریخی در زمان شاه عباس صفوی رخ داد و وی توانست نام خویش را در تاریخ تا ابد زنده نگه دارد.

اتحادیه عرب در قرن گذشته، نام خلیج فارس را برای اعراب ممنوع کرده است و در ایران هم رسانه‌ها تا مدتی سکوت کردند؛ اما در سال ۱۳۸۱ با روی کار آمدن وبلاگ‌های فارسی، اولین پژوهش‌ها در مورد خلیج فارس منتشر شد و محافل رسمی نیز از آن حمایت کردند. تحریف نام خلیج فارس از اطلس نشنال جئوگرافیک، خشم و اعتراضات عمومی در داخل و خارج

از کشور را به دنبال داشت و هزاران ایمیل و نامه‌های اعتراض و طوماری اینترنتی با بیش از صد و بیست هزار امضاء به موسسه ذکر شده ارسال شد، موسسه آمریکایی با اظهار پوزش از مردم ایران قول داد این عمل خود را جبران کند.

نام‌گذاری روز ملی خلیج فارس نیز روندی طولانی را پشت سر گذاشته از زمانی که شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت تصمیم گرفتند این روز را در تقویم به خلیج فارس اختصاص دهند، اهمیت این آبراهه مهم جهانی پررنگ تر شد.

حتی پس از گذر پنج سال از تصویب روز ملی خلیج فارس این روز که با تلاش‌های بسیار و به خواست آحاد مردم، روز ملی خلیج فارس تعیین شده بود، با سکوت مقامات و وزارت فرهنگ و ارشاد روبرو شده بود؛ اما در سال ۱۳۸۹ حامیان خلیج فارس به این مسئله اعتراض کردند و در ده اردیبهشت همان سال برای نخستین بار روز ملی خلیج فارس با پیگیری‌های مسئولین برگزار شد.

از این سال به بعد، به این مسائل توجه بیشتری نشان داده شد و از سال ۹۲ روز ملی خلیج فارس مورد توجه همگان از جمله امامان جمعه قرار گرفت که در خطبه‌های خود از اهمیت این روز سخن می‌رانند. همچنین در شهرهای مختلف جشنواره‌های مختلفی برای بزرگداشت این روز تاریخی برگزار می‌شود.

ابراهیم حامدی، از خوانندگان مشهور پاپ ایران که ترانه خلیج فارس را در کشورهای عربی اجرا نکرد، در کنسرت‌هایی که در دبی اجرا کرد بیان کرد که «یک خواننده است و سیاسی نیست»، به گفته او موضوع خلیج فارس،

موضوعی سیاسی و مربوط به بحث‌های ایران و امارات و سایر کشورهای عربی است. این موضع گیری و اجرا نکردن ترانه خلیج فارس واکنش‌ها و بازخوردهای بسیاری را به دنبال داشته است.

توجه بیش از پیش همگان به کنسرت‌های دبی باعث شد خواننده شهیر، همایون شجریان در قطعه‌ای از کنسرت خود در این شهر، از ایران بخواند و نام کشورمان را بلند کند. شجریان اظهار داشت که این آلبوم از آلبوم‌های قبلی وی از پختگی و جذابیت بیشتری برخوردار است. وی همچنین بیان کرد: «در جریان اتفاقات رخ داده قبلی در کنسرت دبی بودم، من کار خودم را در حوزه موسیقی انجام می‌دهم و کاری به اتفاقات و حواشی ندارم، آنچه در کنسرت دبی انجام دادم، تحت تاثیر هیچ حرکتی نبود و خودم تصمیم گرفتم که در کنسرت دبی بدون توجه به حواشی از ایران بخوانم، این در حالی است که در دبی هیچ محدودیتی برای برگزاری و اجرای این قطعه نداشتم.»

نادر ابراهیمی نیز در کتاب «بر جاده‌های آبی سرخ» با قلمی روان و بیانی شیوا رشادت‌های امیر مهنا دوغابی را در حفظ خلیج فارس به تصویر می‌کشد. ابراهیمی برای نگارش این کتاب منابع معتبر و گوناگونی را بررسی کرده و راه بسیار درازی پیموده است تا در قالب یک داستان بلند وقایع تاریخی مهمی را که بیگانگان و دشمنان داخلی و خارجی سعی در کتمان آن دارند به تصویر بکشد و به همگان آگاهی ببخشد. این داستان بلند در سه جلد تهیه و تنظیم شده و انتشارات روزبهان آن را به چاپ رسانده است.

منتظر آقایان معترض!

جستاری بر اعتراض و اعتصاب رانندگان خطوط تندرو (بی.آر.تی)

● هدیه گیاه تازه_ کارشناسی آمار و کاربردها

و سو استفاده و دورغ گویی آنها بر هر کسی مشخص است، کوچک ترین خبر را هزاران بار تکرار و پخش می کنند چرا برای دستگاه اجرایی و نظام فکری کشور اهمیت جدی ندارد که در ذهن مردمش چه می گذرد؟

جنگ رسانه یا هر چیزی که اسم دارد، بهتر است که به این موضوع و موضوعهای بزرگتر بیشتر و صادقانه تر پرداخته می شد که ابعاد آن روشن شود و حس اینکه مردم بی پناه و آواره در بین خیابان رها شده اند و این اتلاف وقت هیچ اهمیتی برای افراد اجرا کننده ندارد، کمتر پیش می آمد و یا اصلا پیش نمی آمد.

به فراخور خبر و همه گیری آن خوب است به آن پرداخته شود، خبر اعتصاب رانندگان پایتخت برای مردمان جنوب و شمال و شرق کشور درگیر کننده نیست، اما روشن شدن ابعاد یک ماجرا در پایتخت و از آن مهم تر خبر رسیدگی به اعتراض کارمندان و نحوه پرداخت حقوق آنها می تواند امید آفرین باشد که دولت در حال انجام تلاش خود برای کارمندان است و به مرور اوضاع بهتر خواهد شد ...

قضاوت هرکس به شرایط و تفکر او بستگی دارد. بعد از چند ساعت فیش حقوقی کارمندان منتشر شد که نشان می داد در بازه بین ۱۰ ملیون تا ۲۵ ملیون تومان است، که همین کمی تردید ایجاد می کرد که آیا واقعا این اعتصاب به جا بوده یا خیر؟ کما اینکه منجر به سرگردانی عده کثیری از مردم شهر تهران برای مدت قابل توجهی شده بود، طبق آمار خطوط تندرو در حدود ۱ ملیون نفر را در شبانه روز جابه جا می کنند.

نکته بعدی نیز یک جور چراغ سبز به دیگر اصناف است. یعنی مشخصا این پیام به ذهن متبادر می شود که آیا تنها باید با اعتصاب و اعتراض به حق خود رسید و راه های مسالمت آمیز تری که به سختی کشیدن عده کثیری مردم ختم نشود وجود ندارد؟

خب مشخصا حقوق معلمان و پرستاران و قشر بسیار زیادی از مردم به این اندازه نیست، تصور می شود که از این به بعد برای اینکه مقامات اجرایی کار خودشان را درست انجام بدهند تنها راه اعتراض و اعتصاب است.

نکته آخر نیز نحوه پوشش دهی خبر است، رسانه هایی که بدخواهی

در حالی که به تازگی نحوه پرداخت یارانه اصلاح و قیمت ها آزاد شده و فضای اقتصادی و روانی جامعه تا حد زیادی ملتهب است، جرقه ای در این انبار باروت می افتد. عصر در حالی که خیل عظیمی دانشجویی خسته و کارمند پستوه به سمت وسایل حمل و نقل عمومی سرازیرند، متوجه یک اتفاق غیر دوست داشتنی می شوند. دهن به دهن می شنوند که رانندگان شرکت واحد اعتصاب کرده اند و معطلی در ایستگاه راه به جایی نمی برد و باید فکری برای جلوگیری از آوارگی بیشتر بکنند. در بطن این آوارگی کارمندان و دانشجویان شهر تهران چند نکته وجود دارد:

اول، بعد از آنکه کمی پیگری رخ داد معلوم شد اعتصاب ریشه در نحوه افزایش حقوق دارد یعنی همان طور که انتظار می رفت داستان رنگ و بوی حقوق و معیشت بگیرد، مشخص شد که رانندگان می خواهند طبق قانون وزارت کار، افزایش حقوق ۵۷ درصدی داشته باشند و اعتراض دارند به اینکه حقوق آنها ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است. البته شهردار تهران بلافاصله در جمع آنها حاضر شد و گفت که افزایش حقوق و قوانین آن تابع یک جمع ۶ نفره است و شهرداری تنها جایی نیست که باید در چهار چوب این قانون باشد. او گفت که خودش هم پیگیر مسئله بوده و قبل از اعتراض منتظر بخشنامه نحوه این افزایش بوده است.

نکته دوم در پرسش درباره به جا بودن این اعتراض است، البته این قسمت را به عهده خوانندگان منصف می گذاریم چون کار ما تنها انتقال صحیح اطلاعات است و



بابا هنوز هم می‌تواند نان دهد؟

● مریم امینی کوچ‌سرایبی_ کارشناسی حقوق

مصرف کننده می‌رسد و مصرف کننده می‌تواند هرچور که می‌خواهد از آن استفاده کند یا حتی از بارانه آن بخش برای اموری که بیشتر به آن نیاز دارد استفاده کند. در کنار آن، نظارت قیمت نیز پا برجاست اما حیف که کنترل نظارت ضعیف است. از پس جهل و فساد برای رفع این فاجعه مجبور به خیلی از کارهایی هستیم که عقلانی نیست. کارهایی بی‌تاثیر می‌کنیم که روز به روز ملت را در گرداب بیچارگی فرو می‌برد.

توضیحات هم که به اندازه کافی، مفید به فایده و یا قانع کننده نیست. نظارت و کنترل به جا و به موقع، حلال همه مشکلات است. کاش به جای رانت برای رسیدن به درجات بالا، عقل را حاکمیت قرار می‌دادیم. گرانی اغذیه دیگر حق ملت ما نیست.

آیا بهتر نیست ناظرانی قدرتمند بر امور، ناظر کنیم؟ اما نکته مهم، ارز دولتی است. برخی می‌گویند ارز دولتی دست مایه آفازاده‌ها برای فساد و سوء استفاده بود. از این رو برخی بزرگان آن را حذف نموده تا دست فساد کوتاه شود. آیا بهتر نبود به جای حذف این مقوله و بدبخت کردن مردم، دست فاسدان را کوتاه می‌کردند؟

سنگر آخر، باز کردن از سر خود و انداختن تقصیر به گردن کارگر بیچاره است. از آن‌ها می‌پرسی مقصر کیست؟ می‌گویند نانوایان. اگر طمع در قیمت اجناس خود نکنند، اینگونه نمی‌شود. در پس معایب و عدم نظارت‌های موجود می‌توان مزایایی یافت. من جمله اینکه با از بین رفتن ارز پنهان، میزانی که دولت برای کالا به تولید کننده پرداخت می‌کرد، مستقیم به دست

نان از مقوله‌های اساسی در زندگی انسان بالاخص ایرانیان است اما تغییر قیمت این مقوله و کمبود آن از بهر چیست؟ کمبود این قبیل اجناس چه سودی به حال مردمی دارد که دولت مدعی دلسوزی برای آن‌هاست. برخی می‌گویند گرانی نان و کمبود آن از بهر تورم است اما تورم چه تاثیری بر گندمی که در کشور خودمان به روشی کاملاً سنتی تولید می‌شود، دارد؟

اصلاً تاثیری هم داشته باشد، بهتر نیست خودکفایی را لااقل از سفره آغاز کنیم که حداقل مردم گرسنگی را تجربه نکنند؟ از طرفی برخی می‌گویند علت در عدم نظارت است.

آیا این ضعف سیستم مدیریت نیست؟ آیا بهتر نیست به جای جابجایی مشکل بین ارگان‌ها رفع مشکل کنیم؟



پایان شیرین مقاومت

● هدیه گیاه تازه_ کارشناسی آمار و کاربردها

کاملاً قابل تصور است که چه چیزی از رژیم صهیونیستی مخابره می‌شده که حاضر است این چنین یک نفر را از بین ببرد و آبروی خودش را در سطح جهان بریزد اما از چیز بدتری جلوگیری کند. آشفتن تشییع جنازه او نیز یک بخش قابل توجه ماجرا می‌باشد. ۷۰ نفر از مردان مسلمان در حالی زخمی شده‌اند که حاضر نیستند زیر تابوت خواهر مسیحی خود را رها کنند. این همان برادری واقعی تمام ادیان و پیامبران است. همان چیزی که اسرائیل دنبال حذف آن است و بدتر با رفتارش به همه نشان می‌دهد، به آشوب کشیدن تشییع او آنقدر دل تنگ کننده و آزاردهنده است که صدای هم پیمان‌های خود اسرائیل را هم در می‌آورد. جن ساکی سخنگوی کاخ سفید می‌گوید: «ما همه این تصاویر را دیده‌ایم. آن‌ها بسیار ناراحت‌کننده هستند. ما از درگیری در مراسمی که باید یک مراسم خاکسپاری آرام باشد، متأسفیم». وزیر خارجه آمریکا در بخشی از بیانیه خودش می‌گوید: «از دیدن صحنه‌هایی از یورش پلیس اسرائیل به مراسم تشییع

آنچه که مهم است این است که از مرگ خبرنگاران کاملاً مسجل می‌شود که هنوز در سرزمین‌های اشغالی اوضاع خوب نیست. بر خلاف تصور برخی که می‌گویند دیگر صلح شده و خطری وجود ندارد، دیده می‌شود که نه تنها هیچ صلحی دیده نمی‌شود بلکه کسانی که به دنبال واقعیت هستند نیز شهید خواهند شد. ممکن است تصور شود که بالاخره جنگ است و یا به قول شما هنوز امنیت کاملی برقرار نیست؛ پس اینکه در این گیر و دار یک تیری بیاید و بر جان کسی بنشیند و شربت شهادت نیز بنوشد طبیعی است. آیا می‌توان حتماً گفت اسرائیل هنوز هم غاصب است؟ باید دانست خبرنگاران در هر جنگی مصونیت بین‌المللی دارند و این یک قانون جهانی است که اکثر مردم جهان آن را می‌دانند. در حالی که ابوعاقله لباس خبرنگاری به تن داشته به سمت او شلیک شده است. از آن درد آورتر آنکه درحالی که تک تیر انداز می‌دانسته لباس او ضد گلوله است، با نهایت شقاوت به صورت او شلیک کرده و او را به شهادت رسانده است.

۱۱ می ۲۰۲۲ شیرین ابوعاقله خبرنگار الجزیره که در کشورهای عرب و غیرعرب شناخته شده بود، به ضرب گلوله تیراندهای اسرائیل در جنین در کرانه باختری جان سپرد. ابوعاقله که فارغ التحصیل رشته خبرنگاری دانشگاه اردن بود، سال‌ها تلاش کرده بود اخبار واقعی و شفاف را از حمله به فلسطین مخابره کند. خودش از انگیزه‌اش می‌گوید:

«در لحظات سخت، بر ترس خود غلبه کردم. من فعالیت در رسانه را با هدف نزدیک بودن به مردم انتخاب کرده بودم. نمی‌توانستم واقعیت‌های تلخ جاری در صحنه فلسطین را تغییر دهم اما حداقل کاری که می‌توانستم انجام دهم این بود که صدای مردم فلسطین را به جهانیان برسانم، من شیرین ابوعاقله هستم.»

ابوعاقله تنها خبرنگار کشته شده توسط اسرائیل نبوده و نیست. کشتن عکاس ۲۱ ساله ایتالیایی آسوشیتدپرس، رد شدن با بلدوزر از روی بدن فعالان صلح جنایت‌های غیر قابل چشم پوشی است که در مقابل چشم همگان قرار دارد.



سرعت خواهد بخشید. به قول دکتر همایون عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع): شیرین ابوعاقله با نامی فارسی، قومیتی فلسطینی، دینی مسیحی و شهادتی انقلابی همه معنای ماجرای آخرالزمان است.

مسلمانا آخرین شهید این راه طولانی تا فتح نیز نخواهد بود. خون پاک او روح تازه‌ای در مقاومت فلسطین دمیده و او اکنون به نماد تازه‌ای از مقاومت فلسطین تبدیل شده است. باید دانست وعده خدا حتمی است و خون این شهیدان سرعت زوال را

جنازه ابوعاقله بسیار ناراحت شدیم. هر خانواده‌ای شایسته است که عزیزان خود را با احترام و بدون مانع دفن کند. «
شیرین ابوعاقله اولین نفر نیست که جنایات اسرائیل را می‌بیند و نمی‌تواند در مقابل آن ساکت باشد.



انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

[@anjoman_islami_alzahra](https://www.instagram.com/anjoman_islami_alzahra)
[@anjomanzahra](https://www.instagram.com/anjomanzahra)

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه

سردبیر: رقیه خادم‌نیا

هیئت تحریریه: رقیه خادم‌نیا، هدیه گیاه تازه، آتنا هوشمند، مریم امینی کوچک‌سرای

صفحه آرا: زهرا عظیمی